

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر فصلنامه ی
علمی فضای جغرافیایی

دوره بیست و پنجم، شماره ۹۰
تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۲۰۹-۱۸۵

عزت احمدی^۱
مهروش کاظمی شیشوان^۲*
اکرم حسینی^۳
لاچین پهلوان علمداری^۴

بازخوانی پدیدارشناختی مراتب حس مکان در فضاهای نمادین شهری مورد مطالعه: پل بازارهای تبریز

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

چکیده

حس مکان و مراتب آن در ادراک شهروندان، بیانگر رابطه‌ای خاص میان فرد و محیطی است که نسبت به آن شناختی نسبی دارد. در این بین بافت‌های تاریخی نسبت به بافت‌های شهری معاصر، به دلیل برخورداری از ساختارهای مبتنی بر مفاهیم اجتماعی، توانمندی بهتری نسبت به برقراری تعامل میان انسان و فضا دارند. در پژوهش حاضر با هدف سنجش تجربی سطوح حس مکان، به واکاوی روابط میان شاخصه‌های کالبدی و شناختی فضاهای نمادین تاریخی و کیفیت ادراک کاربران پرداخته شده است. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش عبارتست از: سطوح کالبدی و زمینه فعالیت‌ها چه تاثیری در القاء و ارتقاء مراتب حس مکان و خاطره‌انگیزی فضا در اذهان شهروندان دارد؟ لذا، با روش توصیفی-تحلیلی و کاربست مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش‌های میدانی، نیز بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته از جامعه آماری ۳۰۰ نفری از شهروندان، محدوده پل بازارهای تبریز در سه سکانس مورد ارزیابی قرار

^۱گروه معماری، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

^۲گروه معماری، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

^۳دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

^۴گروه معماری، واحد آذرشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آذرشهر، ایران

گرفت. نتایج بیانگر آن است عناصر کالبدی موصوف صرف موجودیت فیزیکی سبب ارتقاء کیفیت حس مکان نمی-گردند. با این وجود به عنوان بخشی از نمادها و هنجارهای فرهنگی، ضمن پیوند دادن ادراکات فرد با مکان، تداعی کننده رخدادهای حادث شده در آن می باشد. از این رو با اصلاح الگوی خوانایی در شهر؛ دستیابی به سطوح بالای حس مکان میسر می گردد.

واژگان کلیدی:

حس مکان، رشته های خاطره ای، فضاهای شهری، هویت، پل بازارهای تبریز

مقدمه

بروز حس مکان و شناخت مراتب ماهیتی آن در فضاهای عمومی شهری مقوله ای است که امروزه چالش عمده متخصصان شهری در ایجاد تعاملات و کنش های اجتماعی میان شهروندان و نیز عناصر کالبدی و عوامل شناختی مرتبط با آن است. مکان ترجمانی از منظر متعین است که دربردارنده مفهومی ذهنی و در تقابل با مفهوم انتزاعی فضا است. بروز این حس علی رغم بروز آن در منظومه عوامل کالبدی، بیشتر در مفاهیم اجتماعی برخاسته از رخدادهای واقع شده در آن قابل خوانش و ادراک بوده و در ادامه، سبب کسب معنا از مکان گشته که خود زمینه ساز دل بستگی به مکان است. بر این اساس با توجه به مولفه هایی همانند هویت و خاطره انگیزی، ادراک حسی عاملی موثر در دستیابی به ماهیت مفاهیم در حوزه مکان است. این در حالی است که بررسی وضعیت بافت های تاریخی کشور و تحولاتی که در طی چند دهه اخیر تاکنون رخ نموده مبین این نکته است که در سرزمین ما، مفهوم شهر امروزی و تلقی ما از کیفیت معمارانه آن به کلی با معنی و مفهوم شهر در گذشته فرق کرده است (Vahdatiasl, 2002: 4). لکن این دگرگونی ها بیش از آنکه ماهوی باشد عرضی بوده اند و نه در اثر عوامل درون سر بلکه به سبب تحول در عناصر برون سر رخ داده اند (Yarahmadi, 2011: 31). از این رو اهمیت مسأله را باید در بحران پیش روی انسان امروزی در حوزه مداخلات فاقد الگوی مبتنی بر هویت و پیشینه مکان جستجو نمود. بدین معنا که این دوگانگی زبان عالم معماری سنتی با زبان معماری روز ایران موجب نوعی دیرفهمی یا سخت فهمی مضامین و مفاهیم در حوزه انگیزش تجربه ذهنی رشته های خاطره ای گشته و تداوم ارتقاء کیفیت معمارانه و هویت مکان های شهری را دچار رکود نموده است. بر این منوال، نقش عناصر تاریخی با محتوای نمادین همچون پل بازارهای تبریز به عنوان اجزایی پیوسته و درهم پیچیده با کالبد های خاطره انگیز بازار تبریز، با توجه به دگرگونی های یک سده اخیر شهر تحت تاثیر مداخلات فاقد رویکرد هویت گرایی و بدون اتکاء بر پیشینه تاریخی و عملکردی کم رنگ گشته؛ و زمینه اغتشاش در هنجارهای محیطی و پیرامونی آن پدیدار شده است. به نحوی که انسجام فضایی پل بازارها در محدوده و عضوی از بازار، بدان سان که شأنیت آن را حفظ نماید، قابل ادراک نمی باشد و سبب شده آنچه عناصر فعلی با داشته های تاریخی اش عرضه می دارد با آنچه شهروند در رشته های خاطره ای و هویتی خویش طلب می کند در تعارض قرار گیرد. از جمله این مداخلات می توان به خیابانکشی های معاصر، تغییر الگوی کارکردی فضای موصوف و راسته های همجوار و ناهنجاری در مبلمان و نمای شهری در محدوده یاد شده؛ اشاره

نمود. البته باید اذعان نمود نه تنها این اثر و محدوده تاریخی یاد شده، بلکه بسیاری از این دست آثار معماری در بافت-های تاریخی کشور علی‌رغم برخورداری از پشتوانه تاریخی و زمینه خاطره‌ای در مراتب حس مکان، دچار این‌چنین بی-مهری‌هایی در بستر شهری گشته‌اند. بدین منظور و برای رفع بخشی از این خلاء علمی و معرفتی، نوشتار حاضر قصد داشته در قلمروی محدود و معطوف به پدیدارشناسی مکان، در خصوص شاخصه‌های فضاها و نمادین تاریخی و سطوح حس مکان با رویکرد ارزش‌بخشی به سطوح یاد شده و بازآفرینی معنایی آن بحث مستدل و علمی را ارایه نماید. به نظر می‌رسد عناصر کالبدی مطروحه نه فقط به لحاظ موجودیت فیزیکی خود، بلکه به‌عنوان جزئی از هنجارهای فرهنگی و اجتماعی شهر در مواجهه با اذهان جمعی، تداعی‌گر خاطره‌انگیزی مکان و خوانش‌گر تصاویر ذهنی افراد از پیشینه آن می‌باشد. بدین طریق که با سوق دادن فعالیت‌ها به زمینه تاریخی و اصیل خود در محل، حس مکان و سطح معنا در آن ارتقاء می‌یابد.

پیشینه پژوهش

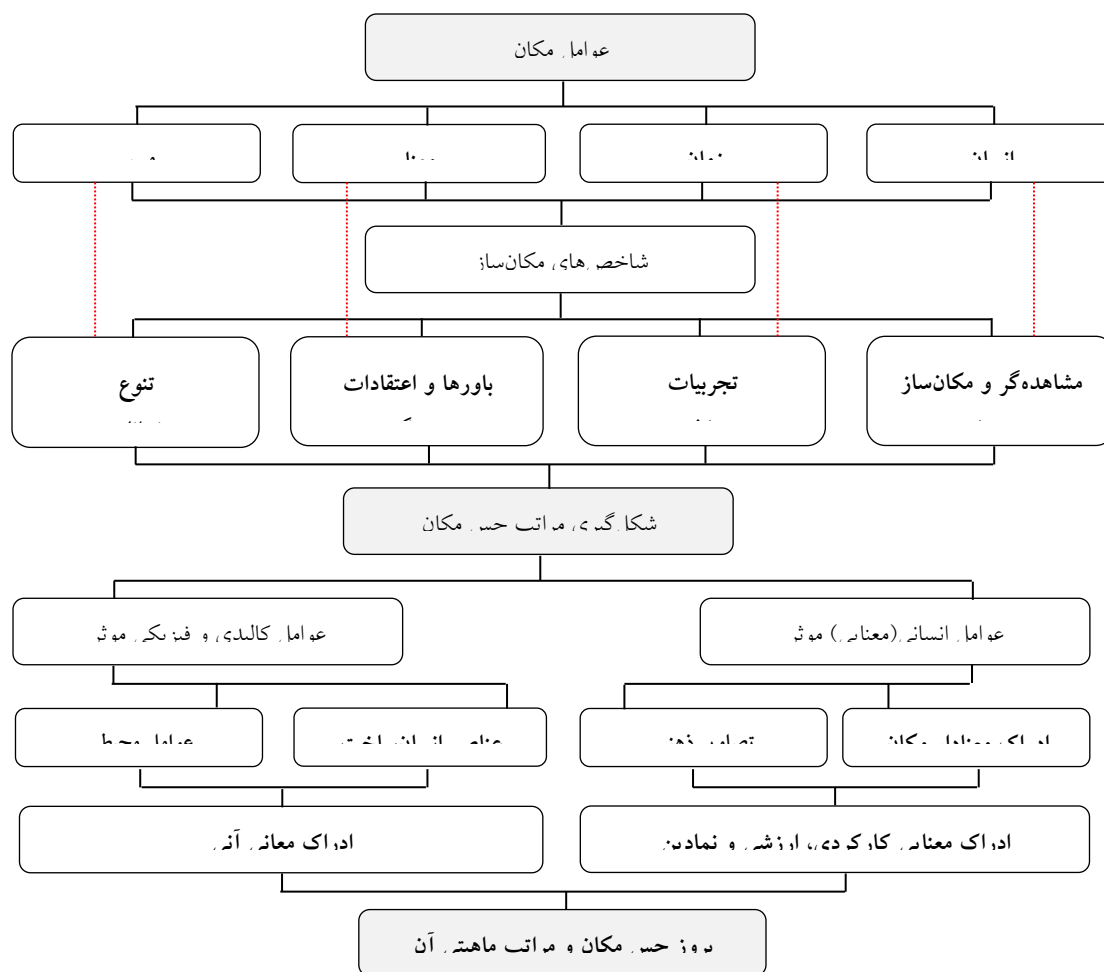
نظریه مکان و درجات تعلق به آن تقریباً از دهه ۱۹۵۰ میلادی مطرح شد (Zabetiyan&Kheyradin, 2019: 49). در واقع با بحران هویتی در جامعه و فضاها و معماری که ناشی از نگرش‌های یک‌سویه عملکردگرایانه مدرنیته بود، نگاه متخصصان به سمت رویکرد معناگرا پیش رفت. بدین صورت که در کنار مفهوم فضا به همراه شاخصه‌های کالبدی منسوب به آن، الگوی جدیدی مترتب گردید که دارای بار معنایی، گذشته و خاطره بود (Asefi&Eimani, 2015: 66). رویکردهای مطروحه در اوایل نگرش معناگرا معطوف به این اصل محوری بود که درک مکان توسط افراد زمانی میسر است که آن محیط دارای بار معنایی باشد. بر این اساس شولتز مکان را چیزی بیش از یک فضای انتزاعی دانسته و گذر زمان و تاثیر فضا بر اذهان مخاطبان را مهم می‌نماید (Letafati&Ansari, 2020: 71). در این میان مهمترین اصطلاحی که در رابطه با مکان و در ادامه آن به کار رفته، حس مکان می‌باشد. از نظر رلف از عوامل موثر در کیفیت معنایی فضای معماری، حس مکان می‌باشد (Kashi&Bonyadi, 2014: 44). بدین صورت که با توجه به ماهیت ذهنی آن، بر مبنای تجربه و نوع و تبلور آموزه‌ها، امری متغیر بوده و شامل دریافت‌های متنوع توصیفی از مفهوم مکان است. با گذر زمان و رخداد تجربه‌های حسی از آموزه‌های نو در باب حس مکان، ضمن بازخوانی مراتب حس مکان، شاخصه‌ها و پارامترهای موثر در ایجاد و ارتقاء آن در بعد درک زمینه‌های تعاملات اجتماعی و فرهنگی نیز تبیین و مورد تدقیق نظر قرار گرفت. بر این مدار و در رابطه با ادبیات موضوع، اقبال پژوهشگران و نظریه‌پردازان حوزه مکان در چند دهه اخیر نشان دهنده اهمیت بعد مکان‌سازی و ارتقاء حس مکان و مراتب ملزومه آن در سازمان فضایی شهر و نیز تاثیرگذاری آن در برهم‌کنش‌های اجتماعی می‌باشد. از جمله پژوهش‌های بنیادی و کاربردی معاصر در حیطه پژوهش حاضر، موارد زیر مهم و قابل اعتناست (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: اهم پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه پیشینه تحقیق حاضر، مأخذ: نویسندگان

Table No. 1: The most important researches in the field of the background of the present research, Source: Author

نظریه پرداز	سال	تعاریف ارائه شده
بالبی، جیالیانی	۲۰۰۳/۱۹۶۹	مفهوم دلبستگی مکانی میزان پیوندپذیری آن
رلف	۱۹۷۶	معرفی جنبه‌های مختلف حس مکان
لینچ	۱۹۸۱	نقش عنصر هویت در حس مکان
رُسی	۱۹۸۴	واکاوی خاطرات جمعی در بستر شهر
شامای	۱۹۹۱	گونه‌شناسی حس مکان
پانتر	۱۹۹۱	بررسی ساختار فیزیکی، فعالیتی و معنایی محیط
کانتر	۱۹۹۷	ارائه مدل مکان
روبرت هی	۱۹۹۸	تاثیر حس مکان بر کیفیت توسعه
بنجامین	۱۹۹۹	خاطره‌انگیزی شهرها
شولتز	۲۰۰۰	بررسی شاخصه‌های حس مکان
همندز	۲۰۰۱	حوزه‌های دلبستگی مکانی و هویت مکانی
کراس	۲۰۰۱	بررسی مفهوم حس مکان
جرارد و سایر همکاران	۲۰۰۴	بررسی ابعاد مفهوم دلبستگی در یک محیط خاص
کایل	۲۰۰۴	بررسی ابعاد دلبستگی به مکان در محیط‌های شهری
کارمونا	۲۰۰۷	بررسی تاثیرگذاری گذر زمان بر حس مکان
فلاحت	۲۰۰۷	مفهوم حس مکان و عوامل موثر بر آن
حیبی	۲۰۰۸	تحلیل رویکردهای ذهنی در بسط هویت و حس مکان
لوییزا	۲۰۰۸	دلبستگی مکانی و پیوندهای انسانی با محیط
استیون سمکن و سایر همکاران	۲۰۰۸	بازشناسی عناصر متشکله حس مکان
دوینق رایت	۲۰۰۹	بررسی متغیرهای وابسته به حس مکان
محمودی نژاد و همکاران	۲۰۰۹	بررسی پدیده مکان در رویکردی پدیدارشناسانه
پرتوی	۲۰۰۹	تحلیل پارامترهای مرتبط با پدیده مکان
بوسا	۲۰۱۰	تحلیل سیاست‌های شهری در زمینه تعامل هویت و خاطرات شهری
رایموند	۲۰۱۶/۲۰۱۰	بررسی بعد اجتماعی - فرهنگی مکان/ واکاوی ارتباط میان انسان و مکان
آدریانا کامپلو و سایر همکاران	۲۰۱۳	اهمیت تحلیل حس مکان
تابان و همکاران	۲۰۱۳	بررسی رویکردهای موثر بر حس مکان
عمادی	۲۰۱۴	بررسی مفهوم پیاده راه در ارتباط با حس مکان
شیبانی	۲۰۱۴	دلایل و مفاهیم دلبستگی مکانی
استدمن	۲۰۱۶	تحلیل کیفیت دریافت حس مکان از مفهوم مکان
پورجعفر و همکاران	۲۰۱۶	بررسی مفاهیم مربوط به حس تعلق و دلبستگی مکانی
میرغلامی و آیشم	۲۰۱۷	واکاوی مبانی مکان و حس مکان
یانگ سانگ و سایر همکاران	۲۰۲۰	بررسی حس مکان و تاثیر نور در آن
شرقی و همکاران	۲۰۲۰	واکاوی حس تعلق به مکان
بهشتی اصل، ابراهیمی	۲۰۲۱	واکاوی پدیدارشناختی حس مکان

اهم مطالعات درصدد است مولفه‌های تاثیرگذار و نحوه تاثرات حس مکان و مراتب وابسته آن را در کیفیت تعاملات و کنش‌های اجتماعی در منظومه ادبیات شهر معرفی نماید. بر این مبنا، سعی گردید با تکیه بر منابع مطالعاتی و ارزیابی رخدادهای پیشین در حوزه‌های مرتبط، مطالعه‌ای جامع‌تر نسبت به ویژگی‌های حس مکان در مورد پژوهی پل بازارهای تبریز صورت پذیرد. تا ضمن بهره‌گیری از تشابهات در حوزه حس مکان و سطوح متنوع آن در پیشینه یاد شده، از نمادها و نشانه‌ها به عنوان الگوهای خوانش شهر، در یک رویکرد نو، در راستای احیاء و پیوند دادن ادراکات فرد با رشته‌های خاطره‌ای شهروندان (حس خاطره جمعی) جهت حصول به سطوح بالای حس مکان استفاده شده است. موضوعی که در پژوهش‌های قبلی کمتر بدان اشاره شده است. لذا با دقت نظر در یافته‌ها، بخشی از مفهوم پایداری کالبدی و روان‌شناختی شهر در ارتباط با هویت آن بازخوانی گردید (نمودار شماره ۱).

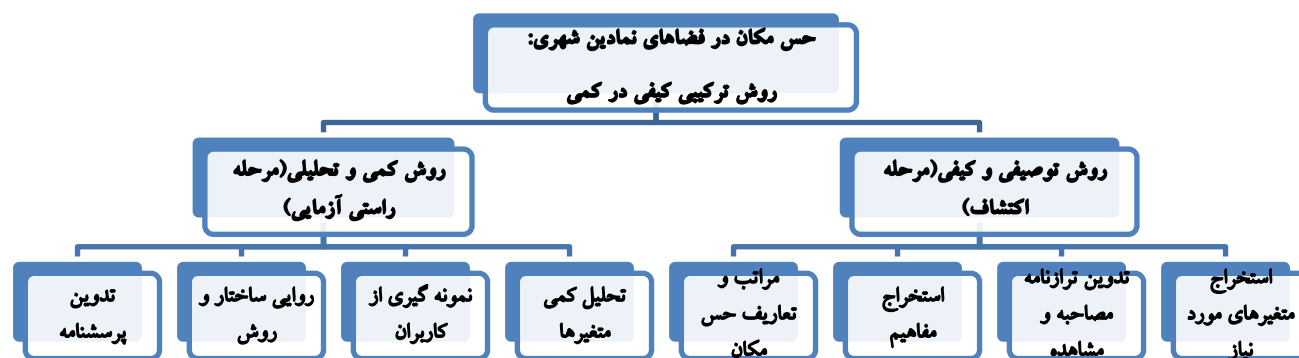


نمودار شماره ۱: احصای عوامل و شاخصه‌های مکان‌ساز موثر در بروز حس مکان به عنوان مدل مفهومی تحقیق، مأخذ: نگارندگان

Graph No. 1: Counting the factors and characteristics of place-makers affecting the sense of place As a conceptual model of research, Source: Authors

روش پژوهش

با توجه به اینکه مسأله تحقیق در بستری تاریخی مطرح است لذا جهت تحصیل مبانی و مفاهیم وابسته در زمینه واکاوی مراتب حس مکان، ادراک و ارتقاء خاطره‌انگیزی آن در اذهان شهروندان، روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای نمونه موردی پل بازارهای تبریز با دیدگاه پدیدارشناسانه و کاربرست مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش‌های میدانی - شامل مشاهدات عینی، تدوین پرسشنامه و اخذ مصاحبه - انتخاب شده است. بدین جهت در گام نخست برای شناخت ادبیات، رویکرد مفاهیم و مبانی موضوع از شیوه اسنادی بهره گرفته شده است. مبانی نظری حاصل از این بخش نیز در بررسی مورد پژوهی مورد استفاده قرار گرفت. در مرحله بعدی، برای بررسی نظام‌مند در بخش مطالعات پیمایشی و میدانی، تدوین پرسشنامه ترکیبی - با طیف لیکرت - برای واکاوی اثرسنجی مولفه‌های حس مکان (متغیر وابسته) و اخذ مصاحبه جهت تدقیق متغیرها و سنجش نمونه آماری در اولویت قرار گرفت. سپس نتایج آن با آمار استنباطی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت (نمودار شماره ۲).

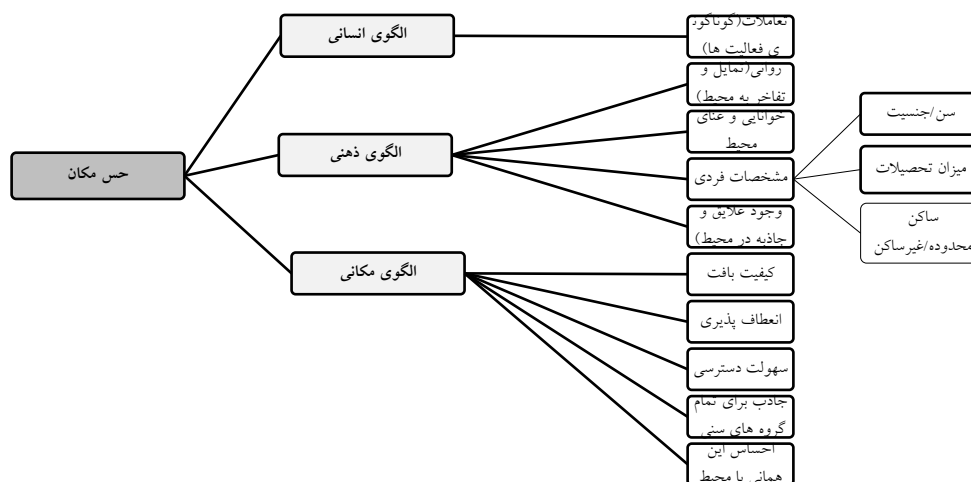


نمودار شماره ۲: روش شناسی و مراحل کیفی و کمی تحقیق، مأخذ: نگارندگان

Graph No. 2: Methodology and qualitative and quantitative stages of research, Source: Authors

برای تهیه پرسشنامه بر اساس مدل تجربی ذیل (نمودار شماره ۳)، متناسب با هر بُعد، شاخص‌هایی تعیین گردید سپس شاخص‌های مطروحه بر مبنای نیازسنجی‌ها تبدیل به سوالات کاربردی شدند. همچنین به منظور بررسی کیفیت و میزان اعتبار پرسش‌ها و در راستای تدقیق نظر در معیارها و شاخص‌ها ضریب آلفای تمامی سوالات محاسبه گردید. با توجه به ضریب خروجی بزرگتر از ۰/۶ مشخص گردید سوالات از روایی لازم برخوردار بوده‌اند. همچنین برای تعیین پایایی سوالات، پرسشنامه به چندین نفر متخصص شهری در زمینه حس مکان و سطوح مترتبه آن در محیط ارائه و مورد بازنگری قرار گرفته شد. بدین ترتیب در پرسشنامه مذکور عوامل موثر بر سطوح حس مکان و دلبستگی مکانی در محدوده پل بازارهای تبریز و تداوم خاطره‌انگیزی محیط فوق در شهروندان و کسبه، بصورت سوالات تعاقبی و چندگزینه‌ای و وزنی ساده مطرح در قالب یک پرسشنامه بصورت ترکیبی و در بین جامعه آماری ۳۰۰ نفری در دو قالب: ۱- کسبه، شهروندان و عابرین گذری از فضا ۲- متخصصین حوزه مربوط همچون از اساتید دانشگاه در محل‌های

مشخص شده توزیع و مطرح گردید. در بخش مصاحبه نیز از آنها خواسته شد دیدگاه‌های خود را در خصوص عناصر، ویژگی‌های محیطی و میزان دل‌بستگی نسبت به بازخوانی و ارتقاء سطوح مکان و خاطره‌انگیزی محیط بیان کنند.



نمودار شماره ۳: مدل تجربی شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق (مدل تجربی در سنجش مراتب حس مکان)،

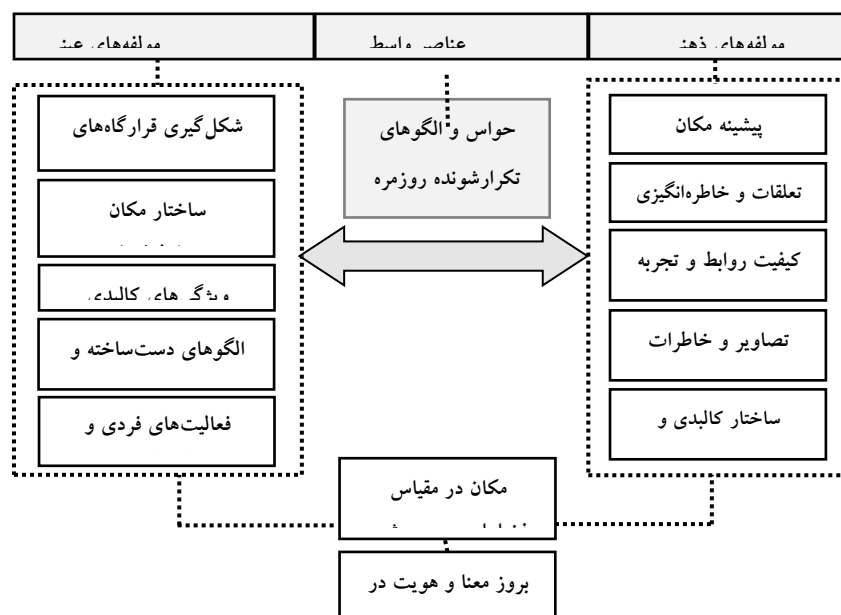
Graph No. 3: Experimental model of research indicators and variables (experimental model in measuring the sense of place), Source: Authors

مبانی نظری

هویت مکانی

مکان، جا یا قسمتی از یک فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارند صاحب هویت خاصی شده است. لذا هر شی‌ای که در یک مکان قرار گیرد نیازمند فضا است (Taban&Porjafar&Pormand, 2013: 85). در پی شناخت یک مکان این نکته را باید مدنظر داشت که شناخت یک مکان، پدیده‌ای اجتماعی است (Esmailiyan&Ranjbar, 2014: 183) و هویت آن آمیزه‌ای است خاص از روابط اجتماعی که دارای دو وجه اصلی ماهوی و مادی می‌باشد. هویت مکان به‌عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان، بیشتر متوجه ارضای ذهنی و عاطفی بشر است تا نیازهایی که مستقیماً با جسم او در ارتباط باشند. هویت مکان از ارزش‌های فردی و جمعی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان، عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (Kashi&Bonyadi, 2014: 45). بر این اساس فهم رابطه میان فرد - با حسی ویژه به یک مکان خاص - به‌عنوان حس مکان، مقدمه‌ای بر ادراک هویت آن مکان می‌باشد. از نظر رلف، هویت مکانی به معنای نمادین مکانی است که به‌عنوان منبع حرکات و روابط است که با خود مفهوم و هدف زندگی را به همراه دارد. بر این اساس، هویت مکانی به‌عنوان یک جزء مهم از هویت، کمک می‌کند تا فرد حس تعلق از خویشتن به جامعه را افزایش دهد (Taban&Porjafar&Pormand, 2013: 86). همچنین در ادامه بر این نکته صحنه می‌گذارد که، فهم مکان می‌تواند منجر به احیاء و نگهداری آن و خلق فضاهای جدید گردد (Taban&Porjafar&Pormand, 2013: 85). در این میان، آنچه از مفاهیم ارائه شده در مورد حس مکان برمی‌آید، این است که حس مکان در طول زمان و با توجه به درک افراد، میزان حضور و مشارکت آنان در مکان متفاوت است. به عبارتی حس مکان دارای مراتب و

شدت‌های مختلف، متناسب با هر انسان و به صورت فردی می‌باشد (Kashi&Bonyadi, 2014: 45). در بررسی‌های صورت گرفته در پیشینه‌شناسی مشخص گردید، مفهوم مکان و هویت در آن، در رویکرد پس از نگرش‌های عملکردگرایانه، در مقابل ساختارهای ذهنی و تجربی از فضا مورد استفاده قرار گرفت. با این حال توجه به ذهن، تجربه و عناصر معنایی، عموماً به معنای نادیده گرفتن ارتباط آن با موارد ملموس و کالبدی نبوده و همواره با نوعی آگاهی همراه است. که با تکرار مستمر الگوی رخدادها، هویت نیز در آن معنا می‌یابد. به این ترتیب رویکردهای مختلف، توجه به کالبد معماری را در برانگیختن معنی در ذهن انسان ضروری و معنی را حاصل ترکیب پیچیده‌ای از عناصر کالبدی معمارانه با تجربیات ذهنی ساکنان می‌دانند (Armaghan, 2016: 56). از آنجا که هر دو مفهوم هویت مکان و حس مکان در ارتباطی تنگاتنگ و موثر بر یکدیگر قرار دارند، اجزاء و عناصر تشکیل دهنده آنها نیز به لحاظ لغوی و مفهومی مشابه هستند و شامل عوامل فیزیکی، فعالیت و معنا می‌باشند. به نظر می‌رسد که همسانی عوامل گفته شده ناشی از در نظر نگرفتن جنبه‌های جمعی مرتبط با عوامل تشکیل دهنده هویت مکان و جنبه‌های فردی مرتبط با عوامل تشکیل دهنده حس مکان می‌باشد. لذا، تفاوت آنها در سطح ارتباطشان با جامعه (فردی/جمعی) است (Kashi&Bonyadi, 2014: 47) (نمودار شماره ۴).



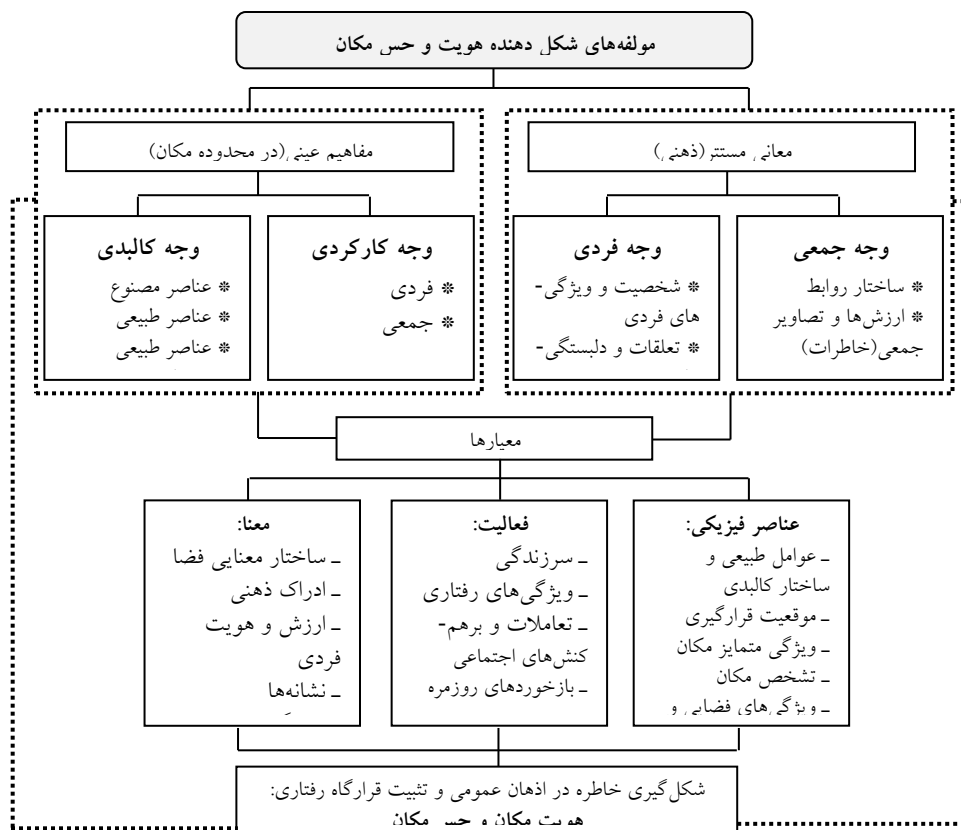
نمودار شماره ۴: پارامترهای موثر در رابطه با دلبستگی به مکان و هویت بخشی آن، مأخذ: نگارندگان

Graph No. 4: Effective parameters related to location attachment And its identity, Source: Authors

بارزه‌های شکل‌گیری هویت و حس مکان

با امعان نظر به اینکه ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد (Falahat, 2006: 58)، لذا معانی و

مفاهیمی که پس از ادراک مکان توسط مُدرک رازگشایی و دانسته می‌شود در دو گروه عوامل شناختی (ادراکی) و فیزیکی (کالبدی) از گونه‌های بسط دهنده حس مکان هستند. این ویژگی تنها به معنای یک حس یا عاطفه یا هرگونه رابطه با مکانی خاص نیست، بلکه نظام و ساختاری شناختی است که فرد با آن به موضوعات، اشخاص، اشیا و مفاهیم یک مکان احساس تعلق پیدا می‌کند. در این رابطه می‌توان به این مهم نیز اشاره کرد که روح مکان در خود مکان قرار دارد اما حس مکان در ذهن کاربر شکل می‌گیرد. حس تعلق و دلبستگی به مکان نیز که خود در مرتبه‌ای اولتر از حس مکان جهت تداوم حضور مفروض است (Falahat, 2006: 59)، به معنای خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن است و شکل‌گیری آن منوط به محدوده و مکانی است که فرد در آن زاده شده و شکل گرفته است (Waxman, 2006: 37). در واقع این نوع ارتباط با مکان، مردم را به گونه‌ای ماندگار، تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطره مکان؛ هویت انسان را غنا می‌بخشد (Raymond and et, 2010: 425). بر این مبنا عوامل فیزیکی، فعالیت‌ها و معانی، سه عامل اصلی مشترک تشکیل دهنده هویت مکان و حس مکان می‌باشد (Kashi & Bonyadi, 2014: 47) که در ترابط نسبت به هم از ملزومات موثر حوزه مطروحه می‌باشد. لکن وجه تمایزی هم که می‌توان برای این دو سطح از مکان مفروض دانست در میزان و سطوح ارتباطشان با جامعه می‌باشد (نمودار شماره ۵).

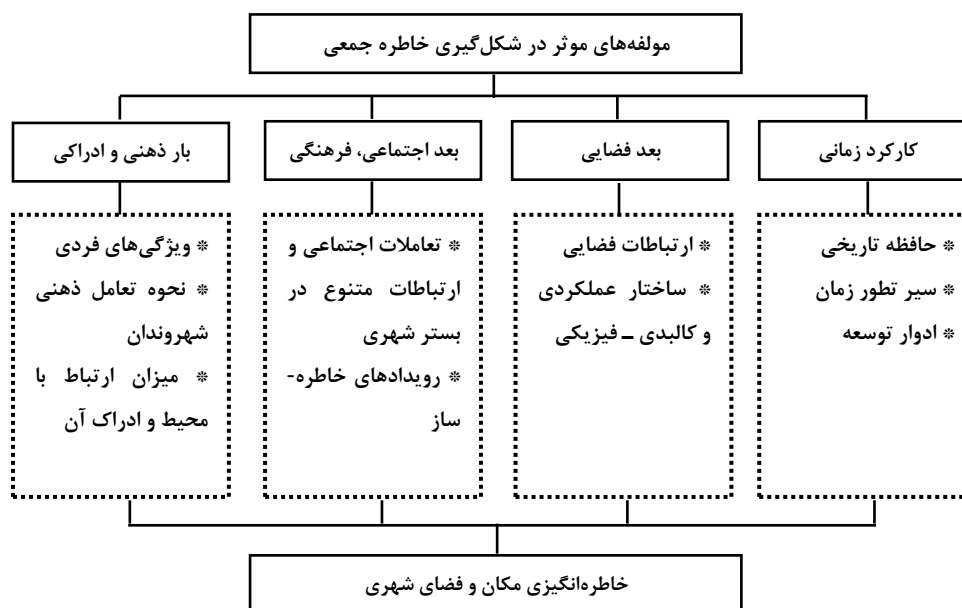


نمودار شماره ۵: مؤلفه‌های شکل دهنده هویت و حس مکان، ماخذ: نگارندگان

Graph No. 5: Components of identity and sense of place, Source: Authors

انگاره‌هایی از مفهوم خاطره‌انگیزی و فضای شهری

یک مفهوم انتزاعی و ذهنی نیست، بلکه اولین قرارگاه ارتباط مستقیم با جهان و محل زندگی انسان است و به‌عنوان ظرفی که دربرگیرنده وقایع و حوادث است، می‌تواند به حفظ خاطرات کمک کند (Mirmoqtadaee, 2010: 10). در این بین، هرچند که خاطره در نقطه مقابل مکان، یک مفهوم ذهنی است لکن خاستگاه و امکان رخداد آن یک هنجار کالبدی حتی به صورت نشانه و علامت‌های شکلی می‌باشد. بر مدار این سخن، تجسد ترابط خاطره با فضای شهری را می‌بایست به دلیل مکان‌محور بودن آن در ماهیت اجتماعی‌اش و در فرآیندی ذهنی، معنایی و عینی جستجو نمود. چراکه بروز و ادراک خاطرات جمعی به عنوان یک عنصر بنیادی برای شکل دادن به هویت ملی، محلی و مدنی، با تدقیق در ظرف و محتوای فضاهای عمومی شهری و در ترکیب با بستر کالبدی محقق می‌شود. در واقع تجربه‌های مکانی، زمان‌مند و خاطره‌مدار هستند و از آنجا که در شکل‌گیری خاطره، شخصیت فرد با مکان درمی‌آمیزد، خاطره، کارکردی بنیادین در یگانه‌پنداری فرد با محیط می‌یابد (Letafati&Ansari, 2020: 75). به طور ضمنی می‌توان گفت که شهر خود، خاطره جمعی مردمش است و مانند خاطره در پیوند با اشیاء و مکان‌هاست. شهر تجلی‌گاه خاطره جمعی است. بنابراین، رابطه میان این تجلی‌گاه و شهروندی، تصور غالب شهر را می‌سازد، هنگامی که مصنوعات مشخص به بخشی از خاطره تبدیل می‌شود، تصویر جدیدی در ذهن پدیدار می‌شود (Hasani et al, 2018: 19) (نمودار شماره ۶).



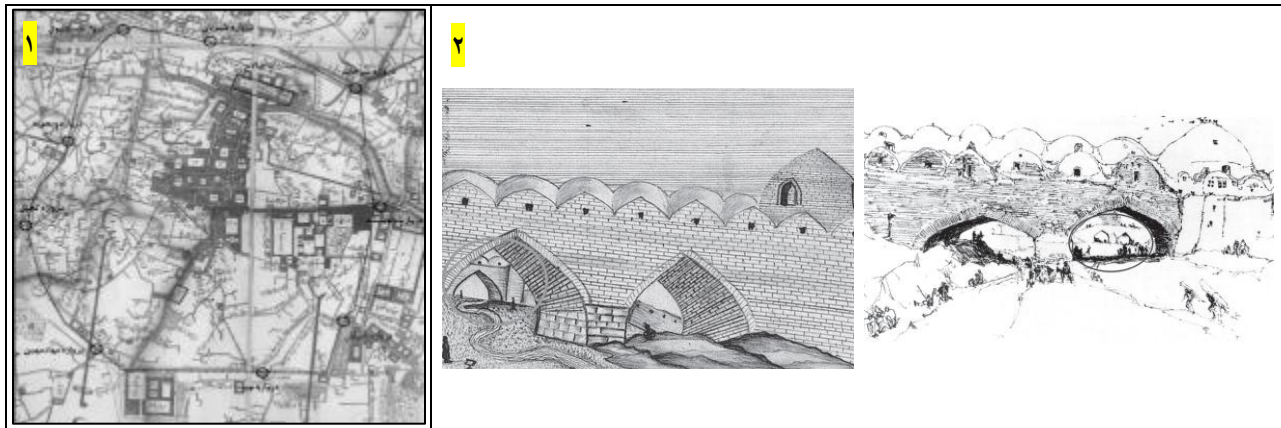
نمودار شماره ۶: مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری خاطره جمعی، ماخذ: نگارندگان

Graph No. 6: Effective components in the formation of collective memory, Source: Authors

۵- بازخوانی مفهوم پل و زمینه‌های پیدایش پل‌بازارهای تبریز

در بازخوانی مفهوم کارکردی و عملکردی پل‌ها می‌توان از آن‌ها به‌عنوان راهکار عینی برای ارتباط فضاهای اعم از کارکرد فرهنگی، آمد و شد، حمل و نقل و فضاهای حائز اهمیت دیگر از نظر بصری نام برد، که در تداوم و پیوستگی حیات شهری، توانایی آفرینش مفاهیمی چون کریدور اجتماعی، که هم تسهیل‌کننده فعالیت‌های یاد شده بوده و هم موجب

تعاملات و برهم‌کنش‌های فردی و جمعی بین مردم را داراست. با توجه به اینکه رخدادها و نوع فعالیت‌ها در فضاهای شهری موجبات ایجاد تصاویر ذهنی و در طول آن خاطره‌انگیزی در اذهان عمومی شهروندان را فراهم می‌آورد. لذا، در طراحی پل‌ها باید بیش از صرف رسیدن به محل ثانویه مدنظر قرار گیرد. چراکه عملکرد چندگانه آن به‌عنوان زمینه‌ای برای تقویت زندگی غنی، آفرینش مفاهیم و کنش‌های جمعی از اهمیتی بیش از بروز در نقش کالبدی جهت آمد و شد؛ برخوردار می‌باشند. بر این رأی پل بازارهای تبریز در بستر بازار تاریخی شهر، در کنار مواردی همچون پل‌های تاریخی، پل پارک و پل‌های تفریحی به‌عنوان نمادی از شهر - زمان (زنده فضا) در تبریز که دربردارنده خاطره‌های گذشته نیز می‌باشد؛ از آن جمله‌اند. نقشه‌های تاریخی و کروکی‌های قدیمی از تبریز اسناد متقنی از وجود پل‌بازارها به‌عنوان تنها پل - بازارهای تاریخ ایران است. توسعه بازار و در ادامه توسعه دروازه‌های شهر موجب گردید که در عهد ایلخانان جانب شمالی شهر به مهران‌رود برسد در ادامه و طی گسترش‌های آتی ملهم از رشد تجارت در ادوار صفوی تا قاجار، بازار تبریز پس از گذشتن از حصار عهد ایلخانی به آن سوی مهران‌رود در بخش شمالی شهر توسعه پیدا می‌کند. بدیهی است که برای ارتباط دو سوی مهران‌رود در قلب بازار شهر ایجاد پل امری مهم و اجتناب ناپذیر بود. در بررسی نقشه دارالسلطنه تبریز ترسیم شده قراجه‌داغی (۱۲۹۷ ه.ق) وجود دو پل بصورت امتدادی از راسته بازار تبریز در عهد ناصری قابل رویت و خوانش است. فرد ریچاردز در سفرنامه خود بعداز سفر به ایران در سال ۱۹۳۱ میلادی، ضمن ترسیم کروکی یکی از پل‌بازارها - که نزدیک به مسجد صاحب‌الامر است - ذیل تصویر آورده است: «بازار بر روی پل». بر این اساس به‌نظر می‌رسد احداث پل بازارها در شهر تبریز در عهد ناصری پاسخی منطقی برای رونق زیاد تجارت در بازار شهر در سوی مهران‌رود و اتصال دو بخش شمالی و جنوبی بازار به هم و نیز مقابله با طغیان‌های فصلی رودخانه آن‌چنان که در سفرنامه‌های ریچاردز و فلاندن آمده است (شکل شماره ۱).



شکل ۱: موقعیت و تصاویر پل بازارهای تبریز، ماخذ، نواری و سایر همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۴ - ۱۰۵

عکس ۱: بخشی از نقشه دارالسلطنه تبریز، ترسیم توسط سرهنگ قراجه داغی، به سال ۱۲۹۷ ه.ق.، محدوده مربوط به پل بازارهای تبریز و عکس ۲: تصویر پل بازار تبریز.

Shape No. 1: Location and pictures of Tabriz Bazaar Bridge, Source: Navari et al, 2009: 104-105

Photo 1: Part of the map of Tabriz Dar al-Saltanah, drawn by Colonel Qarajeh Daghi, in 1297 AH, the area related to Tabriz Bazaar Bridge and photo 2: Image of Tabriz Bazaar Bridge

بررسی جایگاه پل بازارها در رشته‌های خاطره‌ای شهروندان در شهر معاصر

نشان‌های شهری و عناصر تاریخی در طول حیات کالبدی، معنایی و ذهنی خود به دلیل خصوصیات عینی و ادراکی مستتر در خوانش شاخصه‌های معمارانه و وقوع رخداد‌های جاری در آن، موجد خاطره‌انگیزی و هویت در اذهان جامعه شهری است. بنابراین از منظر کالبد یافتن اندیشه‌ها و کنش‌های متقابل اجتماعی و بروز تصاویر ماندگار ذهنی، از تأملات ویژه‌ای در میان شهروندان برخوردار بوده‌اند. هرچند دوران حیات کالبدی پل بازارها و فرارشد ماهیتی آن‌ها در اثر عوامل برون‌سر همچون رخداد‌های طبیعی، به‌طور مشهود مورد خدشه واقع شده بود و در ادامه، با توجه به تحولات کالبدی رخ داده منتج از تاثیر گرایش‌های نوگرایانه در شهر، فضا‌های شهری زمینه‌ساز جهت تداعی خاطرات و ایجاد حس تعلق همچون پل بازارها نادیده گرفته شده بود که این موضوع به تدریج موجب کاهش اثربخشی ظرفیت خاطره‌انگیزی آنها گردید. لکن در تطور زمانی تکوین موجودیت کالبدی بازار و تحولات ملموس شهری گذشته بر آن در دوره حیات ذهنی - خاطره‌ای پل بازارها؛ در امتزاج قوام یافته الگوهای نمادین و هویتی تاریخی پابرجا در بستر شهر، موجب ایجاد یک حس اجتماعی مشترک در مکان و تعلق به آن گردید، که رهاورد آن شکل‌گیری الگوی ذهنی پایدار در انتقال رشته-های خاطره‌ای بود که منجر به احیاء مجدد کالبد پل بازارها گشت. بر این منوال آنچه که تقسیم‌بندی کالبدی تا خاطره‌ای موجودیت فوق را ریشه‌دار و همخوان با الگوهای پایدار شهری نشان می‌دهد قالب شکل‌گیری و مثبت نمودن خاطرات جمعی در اذهان عمومی شهر با تکیه بر برهم‌کنش‌های اجتماعی حادث شده در فضا هست نه در موجودیت کالبدی مکان بصورت لذا برای رعایت توازن و بهره‌گیری از ظرفیت یاد شده و دریافت ارزش خاطره‌ای مشترک و تعریف دوباره از هم‌پیوندی متقابل شهر با ساختارهای کهن آن به‌عنوان روح زمان؛ احیا و بازسازی سیمای کالبدی پل-بازارها و تبلور آن در ساختارهای ذهنی شهروندان به اجرا درآمد (جدول شماره ۲).

ادوار تاریخی	قاجار (عهد ناصری)	اواخر دوره قاجار	پهلوی	خاطره امروز
نام مصطلح	پل بازار	پل بازار	پل بازار	پل بازار
وجه نمود دروازه	کالبدی فیزیکی	کالبدی ذهنی	ذهنی خاطره‌ای	احیاء کالبدی
وجه نمود کالبدی فیزیکی: دروازه بصورت فیزیکی موجود بوده و در دوران حیات کالبدی خود به سر می‌برده است.				
وجه نمود کالبدی ذهنی: بدلیل رخداد حوادث طبیعی (ظغیان مهران‌رود)، پل بازارها تخریب شده لکن محل قبلی بصورت واضح مشهود بود.				
وجه نمود ذهنی خاطره‌ای: بدلیل عدم رسیدگی و عوامل برون‌گرای ذکر شده پل بازارها تخریب و آثار کالبدی از آن برجای نمانده است.				
وجه نمود احیاء کالبدی: بازسازی دوباره منطبق بر الگوها و مستندات تاریخی جهت احیاء کارکردهای عینی و معنایی آن				

جدول شماره ۲: روند تکوین نمود رشته‌های خاطره‌ای پل بازارها در ادراک شهروندان، ماخذ: نگارندگان

Table No. 2: The process of developing the memory strings of the Bazaar Bridge in the perception of citizens, Source: Authors

پل بازارها در تبریز معاصر

گسترش بازار تبریز در طول ادوار متعدد سبب شد که سوی دیگر مهران‌رود در شمال بافت تاریخی نیز جزء کالبدی بازار محسوب شود، گسترشی که مسائل ارتباطی و تجاری تازه‌ای ایجاد کرد. به‌نظر می‌رسد که پل بازار راه‌حلی باشد که برای حل این مسئله اندیشیده‌اند (Navari et al, 2009: 101). بر مبنای اسناد مستدل و با تکیه بر یک ظن قوی علمی

وجود دو پل بازار، حداقل از عهد قاجار در محدوده مورد اشاره قطعی به نظر می‌رسد، هرچند در دوره معاصر از کالبد تاریخی آن در بستر عینی محدوده، نشانی وجود نداشت و تنها جنبه خاطره‌ای بر مبنای تصاویر ذهنی نکته بارز بود، لکن در سال‌های اخیر جهت اتصال دو سوی بازار با رویکرد زنده فضا بودن آن برای انگاشت مفهوم نشانه‌ای معنا در خاطرات اذهان عمومی شهر، بازآفرینی و کاربست کالبدی آنها ضمن تطبیق با اسناد و تصاویر تاریخی تجسد یافت. پهنه غالب عملکردی فضای مذکور با توجه به قرارگیری حجره‌ها در دو سوی مسیر حرکت داخل آن و وجود حداقلی بازشوها جهت کنترل چشم‌انداز بیرونی در جداره‌های خارجی، ضمن کاهش بار معنایی آفرینش پل صرفاً جهت آمد و شد برای استفاده‌کنندگان، کارکرد تجاری در امتداد درب صادقیه و یمنی دوزان بازار به سمت راسته دوه‌چی و میدان صاحب‌الامر در جانب شمالی بافت، ترابط و تلازم فضاسازی موجود منطبق با منطق وجودی بازار، بیشتر نمایان است (شکل شماره ۲).



شکل شماره ۲: محدوده بافت و دروازه‌های قدیم تبریز در شهر معاصر

عکس ۱: محدوده بازار تاریخی تبریز و پل بازارها در محدوده حصار قاجاری شهر، عکس ۲: نمای بیرونی پل بازار تبریز، عکس ۳: فضای داخلی پل بازار تبریز، مأخذ: نگارندگان

Shape No. 2: The texture and old gates of Tabriz in the contemporary city, Source: Authors

Photo 1: Historical Bazaar of Tabriz and Bazaar Bridge in the area of Qajar city fence, Photo 2: Exterior of Tabriz Bazaar Bridge, Photo 3: Interior of Tabriz Bazaar Bridge, Source: Authors

یافته‌های مطالعات میدانی

مطالعات پیمایشی پژوهش حاضر در فضای شهری تاریخی واقع در محدوده شمالی بازار تبریز شامل پل بازارها تدقیق یافته است. محدوده مذکور در ساختار خود دارای کارکرد تجاری بوده که از دیرباز شامل فعالیت‌های متنوع از صنوف مختلف می‌باشد. همانگونه که پیشتر آمد، پل‌های مذکور در امتداد راسته یمنی دوزان و درب صادقیه به سمت جانب شمالی مهران‌رود یعنی راسته دوه‌چی کشیده شده است. در بررسی چارچوب نظری پژوهش و تعمیم آن بر پل بازارهای تبریز و در واکاوی مفهوم حس مکان و هویت مکان به‌عنوان دو مفهوم متجلی در یکدیگر در محدوده یاد شده از دو روش استفاده شده است. در گام اول با بررسی‌های میدانی و پیمایش‌های صورت گرفته در سه سکانس مختلف، مدل ارزیابی حس مکان و مراتب ملزوم آن مورد توجه و تدقیق نظر قرار گرفت. در گام دوم نیز با توجه به پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های اخذ شده از گروه آماری معین و بر اساس ویژگی‌های عینی و ذهنی شهروندان، معیارهای ادراک مکان، افزایش بهره‌وری در حوزه حس تعلق مکانی، کیفیت دید و منظر، اصول روش مکان‌ساز مورد خوانش قرار

گرفت (۵) (جدول شماره ۳). بر این مدار نتایج حاصل، نمود و تجلی منظرهایی است که بر ادراک و کیفیت خوانش ذهنی از محیط تاثیرگذار است. با این رویکرد، در تحقیق حاضر با توجه به محل قرارگیری پل بازارهای تبریز در فصل مشترک راسته یمنی دوزان و درب صادقیه با راسته دوه چی و با در نظر گرفتن قدمت، مشخصات کالبدی - فضایی و فرهنگی محدوده سه محور - سکانس - انتخاب شده است (جدول شماره ۴):

الف). سکانس اول: شامل انتهای راسته یمنی دوزان و صادقیه به سمت شمال بازار تا ورودی پل بازارها.

ب). سکانس دوم: ابتدای پل بازارها تا انتهای آن.

ج). سکانس سوم: شامل انتهای پل بازارها تا ابتدای راسته دوه چی.

جدول شماره ۳: اهم سوالات مرتبط با ارزیابی حس مکان و مراتب آن، ماخذ: نگارندگان

**Table No. 3: The most important questions related to evaluating the sense of place and its level,
Source: Authors**

۱	سنجش‌های عوامل معنایی (کسب معنا در مسیر فرایند آفرینش و احیاء)	مبنای سنجش شاخصه‌ها و سوالات: مورد توجه و اقبال گروه‌های سنی مختلف، اطلاع از پیشینه عناصر، معانی ارزشی	آیا بخشی از بار معنایی ارزش‌های گذشته در این فضا وجود دارد؟
			آیا در این فضا نشان‌های بصری مبتنی بر کارکرد اولیه وجود دارد؟
			آیا این فضا پیوند مناسب با گذشته دارد؟
			آیا حضور در این فضا رخداد‌های تاریخی وابسته به آن را تداعی می‌کند؟
			آیا به این فضا تعلق و وابستگی دارید؟
			با قرارگرفتن در این فضا احساس رضایت دارید؟
			آیا قرارگیری در این فضا موجب هویت‌مندی شما می‌شود؟
			آیا با حضور در این مکان احساس امنیت می‌کنید؟
			آیا با حضور در این فضا تصاویر ذهنی مرتبط با گذشته بازگو می‌شود؟
۲	سنجش‌های کالبدی (تفاعلات ذهنی با عوامل محیطی)	مبنای سنجش شاخصه‌ها و سوالات: نوع کاربری جاری، جلب توجه، پیوستگی عناصر موجود با زمینه	آیا قبلاً در این فضا حضور داشته‌اید؟
			آیا فرم معماری فضا براحتی قابل خوانش است؟
			آیا بخش‌های مختلف این مکان براحتی قابل دسترسی است؟
			نشان‌های تاریخی مجاور چه اندازه باعث ماندگاری این مکان در اذهان می‌شود؟
			آیا اطلاعات کافی از تاریخچه این بخش از بافت بازار در محل وجود دارد؟
			آیا به اندازه کافی از این محل آگاهی دارید؟
			آیا دسترسی به این مکان از خارج از بافت براحتی میسر است؟
			آیا چشم‌انداز و منظر تاریخی محیط با حضور در آن تداعی می‌شود؟
			آیا هارمونی و پیوستگی قابل ادراکی در ساختار فضا وجود دارد؟
			آیا سیمای فعلی و مبلمان شهری مترتب در فضا برطرف‌کننده نیازها می‌-

۵- شاخصه‌های مورد تأکید در پرسشنامه دربردارنده مشخصات جمعیتی اجتماعی، تعاملات اجتماعی، ریشه‌داری در مکان، آشنایی با مکان، هویت مکان، دلبستگی و وابستگی مکانی، به همراه خاطره‌انگیزی آن می‌باشد که بر مبنای سنجش‌های مفهومی در محدوده پل بازارهای صادقیه و یمنی دوزان بازار تاریخی تبریز و با تکیه بر شاخص‌هایی همچون ارزیابی تصاویر ذهنی مبتنی بر عوامل معنایی، عوامل کالبدی و کارکردی، فعالیت‌های جاری به همراه تعاملات اجتماعی منتج از آن همراه با پیش‌آزمون غیررسمی (مشورتی) و رسمی کاربرست یافت.

باشد؟	مبنای سنجش شاخصه‌ها و سوالات: انتقال رخدادها و خاطرات نسل به نسل، تنوع فعالیتها، سرزندگی محدوده	سنجش‌های فیزیکی و اجتماعی (رویدادهای خاطره‌ساز: متنی از تعاملات اجتماعی)	۲
آیا مکان، فضای مناسبی جهت برقراری ارتباط با دوستان به‌شمار می‌رود؟			
آیا جهت حضور در این فضا رغبتی جهت همراه بردن خانواده خود دارید؟			
آیا حس سکون جهت نگاه بهتر در این فضا وجود دارد؟			
آیا مراسمات فرهنگی یا مذهبی در این مکان مترتب می‌شود؟			
آیا اشتیاقی جهت نگهداری از این مکان به‌صورت داوطلبانه دارید؟			
آیا احساس سرزنده بودن در این فضا در تعاملاتتان به شما دست می‌دهد؟			

جدول شماره ۴: بررسی برهم کنش‌های سکانش‌های متعین محور با مراتب حس مکان، ماخذ: نگارندگان

Table No. 4: Investigating the interactions of definite axis sequences with place sense, Source: Authors

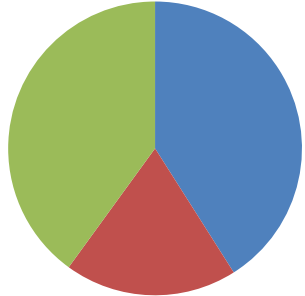
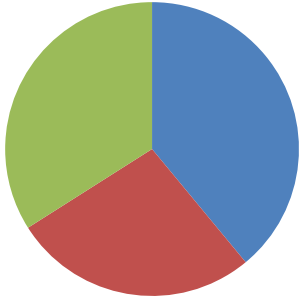
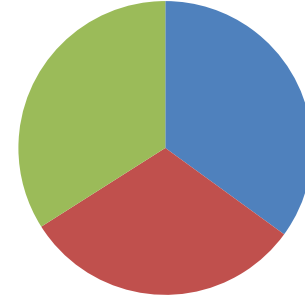
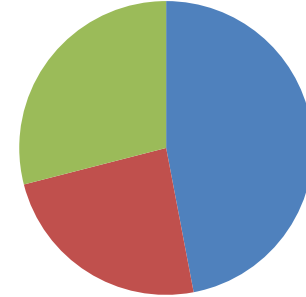
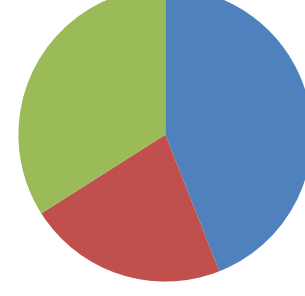
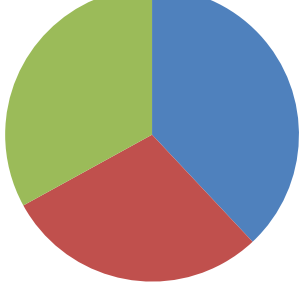
بررسی و تحلیل‌ها

سکانس‌های انتخابی در محدوده مورد پژوهی		
  ۱. محدوده سکانس اول ۲. محدوده سکانس دوم ۳. محدوده سکانس سوم		
تصویر: عکس هوایی محدوده بازار تبریز سال ۱۳۳۵ ش، مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور		
سنجشها	واکاوی معانی مستتر در ذهن انسان	تاثرات طراحی‌های جدید و بازآفرینی مفاهیم
معیارها	نوع ارتباط با کالبد و فعالیت‌های مکان، کیفیت تعاملات اجتماعی، کیفیت حضور در مکان، ویژگی‌های محیطی	تداوم فعالیت‌ها، کیفیت طراحی‌های بصری، میزان کاربست مضامین مستتر در الگوهای طراحی، تنوع در نوع رابطه انسان و مکان
سکانس اول	- وقوع رفتارهای اجتماعی، عدم توجه به مسائل معنایی، وجود نمادهای شاخص، آلودگی بصری 	- بدنه‌سازی نامناسب (بدلیل عبور خیابان در مداخلات معاصر)، نورپردازی نامناسب، کمبود مبلمان شهری و... 
سکانس دوم	- رعایت مقیاس انسانی، تشخیص و نشان-های شهری متناسب با عناصر هویت‌بخش تاریخی مجاور، سازگاری نسبی فعالیت‌ها، وقوع رفتارهای اجتماعی، وجود نماد از جنس کاربری 	- تشخیص بخشیدن به نشانه‌های ذهنی افراد(نوع بازشوهای بدنه پل‌بازارها)، خاطره‌انگیزی نسبی، هویت و اصالت معماری(انتظام فضایی)، فعالیت‌های متنوع منطبق با کارکرد اولیه، بدنه‌سازی مناسب، خط آسمان نسبتاً متعادل و... 
سکانس سوم	- رعایت مقیاس انسانی، تشخیص و نشان-های شهری متناسب با عناصر هویت‌بخش تاریخی، سازگاری فعالیت‌ها، وقوع رفتارهای اجتماعی، حفظ جداره‌های تاریخی 	- تشخیص بخشیدن به نشانه‌های ذهنی افراد(نوع بازشوهای بدنه پل‌بازارها)، خاطره‌انگیزی نسبی، هویت و اصالت معماری(انتظام فضایی)، فعالیت‌های متنوع منطبق با کارکرد اولیه در محل، وجود فعالیت‌ها و کاربری-های جاذب جمعیت 
سرزندگی فضا، محوطه‌آرایی مناسب با منظر تاریخی و فرهنگی، گوناگونی، جاری بودن تعاملات اجتماعی، حس و کنش‌های اجتماعی 		
سرزندگی فضا، محوطه‌آرایی مناسب با منظر تاریخی و فرهنگی، گوناگونی، جاری بودن تعاملات اجتماعی، حس و کنش‌های اجتماعی 		

مواردی که با کاربری آنها می‌توان به تبیین مراتب حس مکان در فضای مفروض پرداخت، صرفاً پارامترهای ملموس مرتبط با چاقوب کالبدی و اجزای عینی آن نیستند بلکه مجموعه رویدادها، فعالیت‌ها، داستان‌های روایی، شاخص بودن در اثر مداخلات انسانی متضمن درک و ارتقای سطوح مکان است و می‌تواند تداعی کننده فرم‌هایی منتج از عناصر هویتی و بصری شهر باشد. بر این منوال تحلیل پرسشنامه‌ها نشان داد که میان اتکا به هنجارها با زمینه‌های تاریخی در فرم معماری و کاربری‌های وابسته توسط پاسخ‌دهندگان با کیفیت پاسخ آن‌ها رابطه قابل اعتنایی وجود دارد. و اغلب تداعی کننده سطوح معنادار حس مکان در پل‌بازارها هم‌ردیف بافت یکپارچه و پیوسته دو سوی آن می‌باشد. لکن علی‌رغم نزدیکی نظرات، انقطاع بافت توسط خیابان‌کشی‌های معاصر در سکانس اول تاثیرگذار در میزان دریافت حس مکان و دلبستگی به آن نسبت به دو سکانس دیگر بوده و قابل تأمل است. بر این اساس در سکانس اول و سوم محور متعین، پیشینه و زمینه تاریخی، تنوع فعالیت‌ها و پیوستگی کالبدی در اطوار تاریخی نقش مهمی در برهم‌کنش‌ها و تعاملات اجتماعی و در طول آن دلبستگی مکانی در مراتب مکان را ایفا می‌کند. لکن در سکانس سوم به دلیل انقطاع کالبدی - خیابان‌کشی - از بافت تاریخی بازار، میزان دلبستگی به مکان با توجه به دریافت‌های میدانی نسبت به سکانس اول به صورت پررنگی قابل دریافت است. بافت یکدست و با هویت تاریخی، همخوانی کاربری‌ها با زمینه‌های تاریخی کارکردی به همراه زنگار تاریخی فضا از جمله عوامل سرزندگی فضا در دو سکانس مذکور هستند. با این حال وجود تعاملات اجتماعی پایدار در دو سوی سکانس دوم به همراه عواملی چون تنوع کاربری‌ها با زمینه تاریخی کارکردی بازار، نمادها و نشان‌های ارزشمند تاریخی خاطره‌ساز از جمله میدان صاحب‌الامر و مسجد حسن پادشاه و خاطره‌انگیزی به دلیل قدمت و کانون رخدادهای مورد توجه از جمله پارامترهای مهمی هستند که موجب گشته در مقوله حس مکان و ادراک سطوح متنوع آن موفق‌تر عمل کنند. به‌طور کلی می‌توان این‌گونه بیان نمود که مردم در مکان‌ها و فضاهایی که تداعی کننده هویت تاریخی آن‌ها به لحاظ ادراک رشته‌های ممتد ذهنی - خاطره‌ای هم‌سو با کاربری متناسب باشد؛ ارتباط ملموس‌تری را برقرار می‌نمایند. سکانس دوم به دلیل اتصال دو بخش اصلی بازار تاریخی، توجه به فرم و نمادهای خاطره‌ساز و هم‌پیوندی با هویت مکان نقش عمده‌ای را در تداعی حس دلبستگی مکان در مراتب حس مکان ایفا می‌نماید. اما نکته‌ای که دقت در جوانب آن مهم می‌نماید این است که در سکانس دوم علی‌رغم جاری بودن فعالیت‌های موجود، بدلیل نگاه تزئینی و موزه‌ای در نگه‌داشت آن و اتصال به نوعی از طراحی مدرن در فصل مشترک آن با سکانس سوم و عدم برخورداری از زنگار تاریخی مناسب، از سرزندگی محیط و تنوع فضا کاسته است (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: بررسی مفاهیم و مراتب حس مکان در سکانس‌های انتخابی، مأخذ: نگارندگان

Table No. 5: Examining the concepts and levels of sense of place in selected sequences, Source: Authors

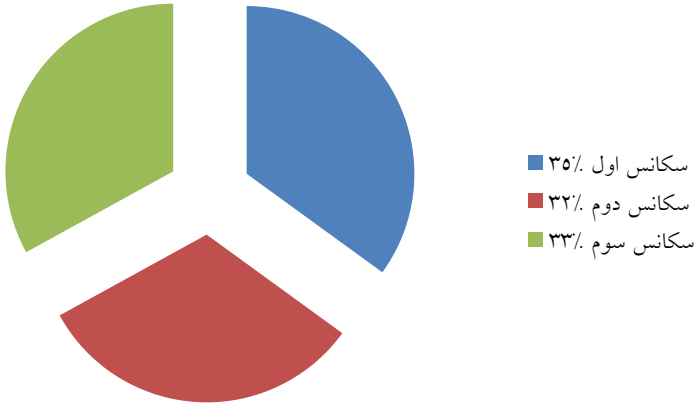
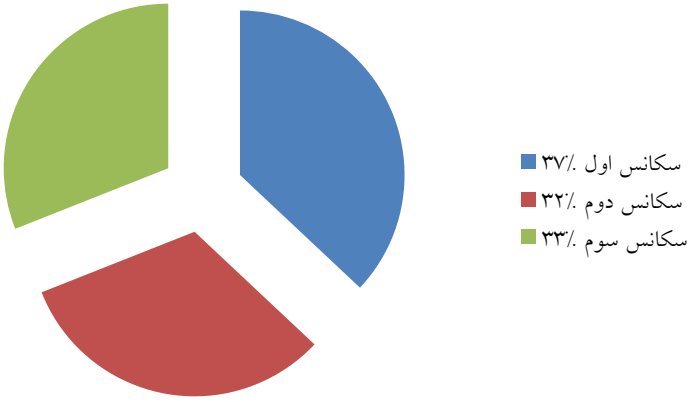
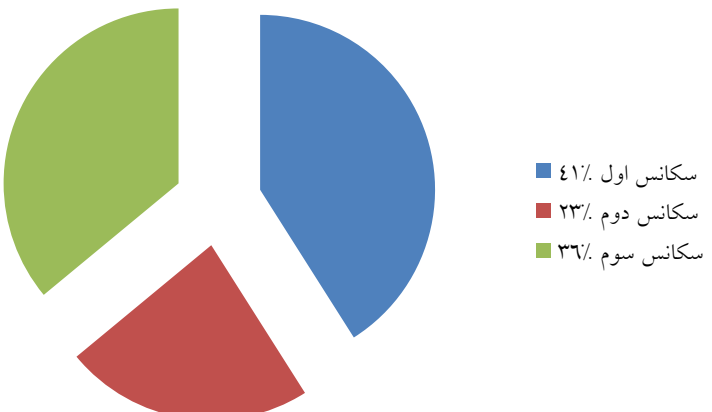
هویت تاریخی	سرزندگی و تعاملات اجتماعی
 سکانس اول ۴۱٪ سکانس دوم ۱۹٪ سکانس سوم ۴۰٪	 سکانس اول ۳۹٪ سکانس دوم ۲۷٪ سکانس سوم ۳۴٪
خوانایی و برداشت‌های بصری	تنوع
 سکانس اول ۳۵٪ سکانس دوم ۳۱٪ سکانس سوم ۳۴٪	 سکانس اول ۴۷٪ سکانس دوم ۲۴٪ سکانس سوم ۲۹٪
خاطره‌انگیزی	فعالیت‌های مکان
 سکانس اول ۴۴٪ سکانس دوم ۲۲٪ سکانس سوم ۳۴٪	 سکانس اول ۳۸٪ سکانس دوم ۲۹٪ سکانس سوم ۳۳٪

در ادامه جهت تدقیق نظر در موضوع موخر، بررسی نوع کاربری واحدهای تجاری در دو سکانس منتهی به پل‌بازارها صورت پذیرفت. بدین صورت که در سکانس اول و سوم، کاربری‌ها عمدتاً از جنس زمینه تاریخی بازار بوده که این خود به سرزندگی فضا و خواش هرچه بهتر فضای معماری محل افزوده است. در سکانس دوم علی‌رغم فرم معماری منطبق با کالبد اولیه پل‌بازارها، کاربری‌های موجود که شامل حوزه‌های تجاری، اداری و خدماتی همچون عطاری،

پوشاک، پست و... می باشد، خوانایی هم سو با چشم انداز و منظر تاریخی خود را ارائه نمی دهند. بر این اساس و در جمع بندی موارد پیش گفته می توان چنین مستفاد نمود که سکانس اول و سوم با توجه به پیوند کالبدی و بدون انقطاع زمانی از بازار تاریخی تبریز خوانش قابل معناداری را از منظر هویت مداری مکان، خاطره ساز بودن و جاری بودن تعاملات و برهم کنش های اجتماعی داراست. لکن پل بازارها به دلیل انقطاع کالبدی در بعد زمانی از زمان آفرینش تا احیای مجدد آن پس از تخریب های متوالی ناشی از طغیان های فصلی مهران رود، شاهد کم رنگ شدن بارزه های تاریخی در اذهان عمومی شهروندان شده است. که این، در میزان دریافت مراتب حس مکان تاثیر گذار بوده است. اما همچنان با تکیه بر فرم معماری خوانا و منطبق بر کالبد بازار از قابلیت ارتقای سرزندگی، با اعمال نکاتی چند برخوردار است. در تحلیل سنجه های انتخاب شده برای سکانس های مشخص و معیارهای وابسته با آن نیز با توجه به نمودار استخراج شده چنین برمی آید که تاثرات و دریافت های بصری ناشی از بازآفرینی مفاهیم در طراحی های جدید با توجه به پارامترهای تاثیر گذار از جمله تشخیص بخشیدن به فضا، اصالت و انتظام فضایی و... عموماً هر سه سکانس عملکرد موفقی داشته و توانسته اند بخشی از مداخلات انسانی ناشی از حوادث طبیعی در بدنه بازار را به صورت همخوان با کل آن به نظم درآورند و موجبات تقویت حس خاطره انگیزی آن را فراهم نمایند. در واکاوی مفاهیم و معانی مستتر در فضا در بازخوانی اذهان عمومی شهروندان، آنچه که تجسد آن در معیارهای ارائه شده همچون تعاملات و فعالیت های مکان قابل فهم است این است که پل بازارها در مقایسه با دو سکانس دیگر به خاطر عدم تطبیق کاربری های فعلی با زمینه تاریخی آن و انقطاع کالبدی علی رغم برخورداری از نمادها و فرم معماری هویت ساز، فروغ کمتری دارد. در نهایت در سنجه کیفیت فضا در سیر زمانی آفرینش تا به حال با توجه به برخورداری هر سه سکانس از تکرانه های ارزشمند تاریخی و محوطه آرایبی مناسبی با منظر تاریخی و فرهنگی، موثرات تقریباً نزدیک به هم در کیفیت بخشی به رشته های خاطره ای شهروندان از محیط داشته اند. با توجه به مفاهیم ارائه شده و واکاوی پیمایش های میدانی چنین مستفاد می شود که ضمن تطبیق کاربری ها و زمینه تاریخی آن ها، با اصلاح ساختار و سیمای مکان در محدوده سکانس دوم و بر تاکید بر حفظ جداره های ارزنده تاریخی موجود نیز، ایجاد فضای منجر به سکون در محدوده، جهت بهره مندی حداکثری از زمان برای ادراک بهتر محیط توسط شهروندان، از جمله راهکارهای متصور از دید شهروندان و کنکاش های میدانی است که کاربست آن جهت ارتقای میزان و کیفیت مراتب حس مکان، مهم می نماید. چراکه صرف موجودیت فیزیکی و تلاش در نگه داشت آن به صورت موزه ای تزئینی امکان بروز حداکثری حس مکان، تعلق و دلبستگی به آن را میسر نخواهد ساخت بلکه فضاسازی و توجه به زنگارهای تاریخی و رویدادهای حادث در آن موثر خواهد بود (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: میزان تاثیرگذاری سنجه‌های ارزیابی شونده در بررسی‌های میدانی

Table No. 6: The effectiveness of evaluated metrics in field surveys, Source: Authors

سنجه‌های فعالیتی و اجتماعی	پیشنهادهای
 سكانس اول ۳۵٪ سكانس دوم ۳۲٪ سكانس سوم ۳۳٪	تطبیق کاربری‌ها با زمینه تاریخی آن، ترکیب متناسب کاربری‌ها.
سنجه‌های کالبدی	پیشنهادهای
 سكانس اول ۳۷٪ سكانس دوم ۳۲٪ سكانس سوم ۳۳٪	اصلاح مبلمان شهری در محدوده.
سنجه‌های معنایی	پیشنهادهای
 سكانس اول ۴۱٪ سكانس دوم ۲۳٪ سكانس سوم ۳۶٪	اصلاح ساختار و سیمای مکان، حفظ جداره-های تاریخی.

نتیجه گیری

هدف از نگارش این مقاله، شناخت مولفه‌ها و مراتب حس مکان و شاخص‌های موثر بر ارتقای آن‌ها در یکی از عناصر هویتی مغفول مانده در اذهان عمومی شهر یعنی پل‌بازارهای تبریز است. نمود حس مکان و سطوح متشکله و تأثیرات آن از جمله مواردی است که در برنامه‌ریزی‌های مدون شهری برای ایجاد کاراکتری معنادار در ارتباط با توسعه‌های شهری، دارای اهمیت فراوانی است. بر این رأی و جهت حصول پاسخ‌های مناسب به سوالات پژوهش در راستای اهداف تدقیق یافته، به کنکاش و واکاوی حول مبانی حس مکان و سطوح مترتبه آن در جهت ارتقای خاطره‌انگیزی مکان پرداخته شد. سپس مورد پژوهی متعین ضمن تفکیکی به سه سکانس مشخص مورد ارزیابی توسط سنجه‌های از پیش تعیین شده توسط جامعه آماری ۳۰۰ نفری از شهروندان قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد فرضیه «عناصر کالبدی معین صرف موجودیت فیزیکی سبب ارتقای مراتب حس مکان نمی‌گردند» به صورت معناداری توسط مصاحبه شونده‌گان تمییز گشت. مع الوصف به عنوان جزوی از هنجارهای فرهنگی و نمادهای واجد ارزش تاریخی ضمن الگودهی در ادراکات بصری افراد در ارتباط با مکان مورد نظر، تداعی کننده رشته‌های خاطره‌ای (خاطره‌انگیزی) در تصاویر منجر از اذهان شهروندان می‌گردد. همچنین نتایج بیانگر آن است در سکانس‌های مشخص شده فضا سازی و زنگار تاریخی از بعد تعدد رخدادهای جاری و توزیع کاربری‌های متناسب با زمینه تاریخی آن ضمن خاطره‌انگیز نمودن مکان موجب رونق سرزندگی و کنش‌های اجتماعی در تعاملات روزمره می‌گردد. از دیدگاه پدیدارشناختی این امر نشانگر آن است که رابطه قابل اعتنایی در کیفیت ادراک معنایی از یک مکان با مراتب حس مکان نشأت گرفته از آن وجود دارد که تحت تأثیر پارامترهای محیطی همچون وجود نمادهای شاخص، خاطره‌ساز بودن فعالیت‌ها، گزینش فرم‌های معماری هم‌سو با زمینه و... می‌تواند تداعی کننده حس دلبستگی و این‌همانی در ادراکات شهروندان گردد. بر این اساس با کاربست راهکارهایی همچون خواناسازی ساختار و سیمای مکان در سکانس دوم، متناسب‌سازی نوع کاربری‌های ایجاد شده با کارکرد اولیه آن، ایجاد و اصلاح مبلمان شهری مناسب با کیفیت مکان در نواحی مفروض، از وجوه مهم اقدامات ملموس شهری در ارتقای کیفیت مکان است. از این رو می‌توان با اتکاء به چنین توانمندی‌های ریشه‌دار از طریق برنامه‌ریزی منطقی توسط متخصصان شهری در جهت اصلاح الگوی خوانایی شهر؛ دستیابی به سطوح بالای حس مکان و تعلق جمعی را هموارتر نمود.

References

- Armaghan, M. (2015). Making sense for home: Tehran's everyday life in cinematic films. *Iranian Journal of Anthropological Research*, (2), 51–73. [In Persian]
- Canter, D. (1971). *The psychology of place*. London: The Architectural Press.
- Dabestani Rafsanjani, A. (2021). Components of promoting a sense of place in the collective spaces of the interior of the Faculty of Architecture and Urban Planning (Case study: Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Arts). *The Art of Green Management*, 2, 43–58. [In Persian]
- Falahat, M. S. (2006). The concept of sense of place and its constituent factors. *Journal of Fine Arts*, (26), 57–66. [In Persian]
- Fakhar Tehrani, F., Parsi, F., & Bani Massoud, A. (2005). Reading the historical maps of Tabriz. *Iran Urban Development and Improvement Organization*. [In Persian]
- Hassani Mianroudi, N., Majedi, H., Saeedeh Zarabadi, Z., & Ziari, Y. (2017). Analysis of the concept of collective memory and its retrieval in urban spaces with the semiotic approach of Hassanabad Square. *Bagh Nazar*, (56), 17–32. [In Persian]
- Ismailian, S., & Ranjbar, E. (2013). A comparative study of components affecting the formation and transmission of collective memories in urban public spaces. *Armanshahr*, (11), 181–194. [In Persian]
- Kameli, M., & Azamati, H. M. (2021). Investigating the relationship between the sense of belonging to the place and the level of social security of citizens: Case study, Qom. *JGS*, 21 (61), 241–258. [In Persian]
- Kashi, H., & Bonyadi, N. (2013). Explaining the model of place identity and examining its various elements and dimensions. [In Persian]
- Latafati, Z., & Ansari, H. (2019). Explaining a model in identifying and strengthening the factors affecting the sense of place and collective memory: A case study of the Dez River. *Iranian Journal of Architectural Studies*, (15), 65–89. [In Persian]
- Mir Moghtadaei, M. (2009). Criteria for measuring the possibility of forming, recording, and transmitting collective memories in the city. *Journal of Fine Arts*, (37), 5–16. [In Persian]
- Navari, N., Khalilzadeh, S., & Tehrani, F. (2008). Tabriz Bazaar Bridge. *Sofeh*, (46), 101–108. [In Persian]
- Norberg-Schulz, C. (1996). *The phenomenon of place*. New York, NY: Princeton Press.
- Raymond, C., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 422–434.
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion.
- Richards, F. (1964). *Fard Richards travelogue* (M. D. Saba, Trans.). Tehran: [Publisher]. [In Persian]
- Taban, M., Pourjafar, M. R., & Pourmand, H. A. (2012). Identity and place: A phenomenological approach. *Journal of City Identity*, (10), 79–90. [In Persian]
- Vahdati Asl, A. (2001). Today's city and the forgotten identity of the Iranian city. *Haft Shahr*, (4), 2–4. [In Persian]
- Waxman, L. (2006). The coffee shop: Social and physical factors influencing place attachment. *Journal of Interior Design*, 3135–53.
- Yarahmadi, S. (2010). Investigating the role of edges in achieving landscape objectives. *Manzar*, (11), 30–37. [In Persian]

Phenomenological re-reading of the sense of place in symbolic urban spaces

Case study: Tabriz Bazaar Bridge

Ezzat Ahmadi, Department of Architecture, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.
Mehrvash Kazemi Shishavan, Department of Architecture, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran (Corresponding Author). [Email: mmkk177@gmail.com](mailto:mmkk177@gmail.com)

Akram Hosseini, Faculty of Architecture and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
Lachin Pahlavan Alamdari, Department of Architecture, Azarshahr Branch, Islamic Azad University, Azarshahr, Iran.

Abstract

Emergence of the sense of place and recognition of its essential levels in the urban public space is a category that is the most important urban experts among social gatherings and actions, as well as physical elements and cognitive factors related to it. Place is an interpretation from a certain point of view, which includes a mental concept and is opposed to the abstract concept of space. Despite its appearance in the system of physical factors, the occurrence of this feeling can be read and perceived mostly in social concepts arising from the events that occurred there, and further, it has caused the acquisition of meaning from the place, which itself is the basis of attachment to the place. Accordingly, according to components such as identity and memorability, sensory perception is an effective factor in achieving the nature of concepts in the field of place. Meanwhile, the examination of the state of the country's historical structures and the developments that have taken place during the last few decades show that in our land, the concept of the modern city and our perception of its architectural quality are completely with the meaning and concept of the city. It has been different in the past (Vahdatiasl, 2002: 4). However, these transformations have been transverse rather than substantive and have occurred not due to internal factors but due to changes in external elements (Yarahmadi, 2011: 31). Therefore, the importance of the issue should be sought in the crisis facing the modern man in the field of interventions that lack a pattern based on identity and the background of the place.

Keyword: Sense of place, memory strings, urban spaces, identity, Tabriz Bazaar Bridge

Introduction

This means that this dichotomy between the language of the world of traditional architecture and the language of modern Iranian architecture has caused a kind of late understanding or difficult understanding of themes and concepts in the field of motivating the mental experience of memory fields, and the continuous improvement of architectural quality and the identity of urban places has stagnated. has done. In this way, the role of historical elements with symbolic content such as the bridges and markets of Tabriz as continuous and intertwined components with the memorable bodies of the Tabriz market, considering the transformations of the city in the last century under the influence of interventions without an identity-oriented approach And without relying on the historical and functional background, it has faded; And the field of disturbance in its environmental norms has emerged. In such a way that the spatial coherence of the bazaars within the boundaries and parts of the bazaar, so as to maintain its dignity, is not perceptible, and it has caused what the current elements present with their historical properties to be compared with what The citizen wants to be in conflict in his fields of memories and identity. Among these interventions, we can mention contemporary street constructions, changing the functional pattern of the described space and adjacent rows, and anomalies in furniture and urban facades in the mentioned area; pointed out. Of course, it should be acknowledged that not only this work and the mentioned historical scope, but also many such architectural works in the historical contexts of the country, despite having historical support and memories in terms of the sense of place, suffer from such a lack. There are Mehris in the urban context. For this purpose and to solve a part of this scientific and epistemological gap, the present article intends to, in a limited area and focused on the phenomenology of place, regarding

the indicators of historical symbolic spaces and the levels of the sense of place with an approach of valuing the said levels and adding meaning. Present that reasoned and scientific discussion. It seems that the physical elements are presented not only in terms of their physical existence, but also as a part of the cultural and social norms of the city in the face of the collective mind, evoking the memorability of the place and reading the mental images of people from its background. In this way, the sense of place and the level of meaning are enhanced by moving the activities to their historical and original context in the place.

Methodology

Considering that the research problem is raised in a historical context, therefore, in order to study the basics and related concepts in the field of analyzing the levels of the sense of place, perception and enhancing its memorableness in the minds of citizens, a descriptive-analytical method based on the case study of Tabriz Market Bridge with a phenomenological perspective And the use of library studies and field surveys - including objective observations, compiling questionnaires and taking interviews - has been selected.

Results and Discussion

In this way, the analysis of the questionnaires showed that there is a significant relationship between the reliance on norms with historical contexts in the form of architecture and related uses by the respondents and the quality of their answers. And it often evokes the meaningful levels of the sense of place in the bazaars parallel to the integrated and continuous texture on both sides of it. However, despite the closeness of the opinions, the interruption of the texture by the contemporary streetcars in the first sequence has an impact on the amount of receiving a sense of place and attachment to it compared to the other two sequences and is worthy of reflection. Based on this, in the first and third sequence of the defined axis, the background and historical context, the variety of activities and physical continuity in historical forms play an important role in social interactions and interactions, and during it, place attachment in terms of place. However, in the third sequence, due to the physical disconnection of the street from the historical fabric of the bazaar, the degree of attachment to the place can be seen in a bold manner according to the field observations compared to the first sequence.

Conclusions

The manifestation of the sense of place and the composed levels and its effects are among the things that are very important in urban planning to create a meaningful character in connection with urban development.

The findings show that the hypothesis "certain physical elements alone do not improve the sense of place" was significantly distinguished by the interviewees. As a part of the cultural norms and symbols with historical value, while setting a pattern in the visual perceptions of the people in relation to the desired place, it evokes memory strings (memorability) in the images leading to the minds of the citizens. Also, the results show that in the specified sequences of space-making and historical rusting, from the dimension of the multiplicity of current events and the distribution of uses in accordance with its historical context, while making the place memorable, it promotes vitality and social actions in everyday interactions.